

شناسایی عوامل و پیامدهای بیجا شدگی

مقدمه

سال های طولانی است که افغانستان در جنگ و درگیری مداوم به سر می برد. این جنگ و منازعات بی پایان آثار و پیامدهای بنیادین را در عرصه های گوناگون و زیر ساخت های کشور داشته اند، از طرفی زمینه ساز آواره شدن میلیون ها افغان در داخل و خارج کشور شده اند. همین اکنون مطابق گزارشات وزارت امور مهاجرین بالای (۵) میلیون نفر، خارج از کشور به سر می برد و بالای (۱) میلیون نفر، بیجا شدگان داخلی ناشی از جنگ، خشکسالی، بیکاری، سیل و زلزله، عدم دسترسی به امکانات رفاهی و خدماتی و غیره به حالت بی خانمانی به سر می برد.

از اینکه دامنه جنگ در افغانستان پهن تر و فراگیر تر شده است، بیجا شدگان ناشی از جنگ نیز در حال افزایش است. بسیاری از بیجا شدگان در حالت نامناسب و حتی بدون دسترسی به امکانات و تسهیلات حداقلی در زیر چادرها زندگی می کنند. گرچند اقدامات و برنامه ریزی های حکومت افغانستان، به ویژه وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در سال های پسین در قسمت رسیدگی به امورات مربوط به بیجا شدگی، از جمله تهیه سرپناه، فراهم سازی کمک های عاجل بشری، ادغام مجدد و زمینه برای برگشت دوباره به محلات اصلی شان، خوب بوده است و کارهای صورت گرفته است. ولی هرگز پاسخ کامل برای بیجا شدگان نیست. در سال های پسین بر علاوه که جنگ بسیاری را مجبور به ترک وطن شان می کنند، حوادث طبیعی و غیر طبیعی نیز زمینه ساز بیجا شدگی می باشد.

بدون تردید، عدم کنترل و اهمال در مورد بیجا شدگان می توانند پیامد های ناگواری داشته باشند. اکثر بیجا شدگان ناخواسته و براساس یک اجباری و تحمیلی در واقع، محلات اصلی شان را ترک می کنند و در محیط دومی با تعدد از چالش ها و نارسایی های مواجه می شوند. اکثر بیجا شدگان دار و ندار شان را از دست می دهند و ناگزیر است در محیط دومی زندگی را از نو شروع کنند. که این موضوع به خودی خود می تواند پیامدهای دشواری برای بیجا شدگان داشته باشد.

همواره بیجا شدگان از عدم دسترسی به خدمات شهروندی و نقصان در استیفا حقوق اساسی شان در محیط دومی گילה مند است. بسیاری آنها حتی از حق آموزش و دسترسی به خدمات صحی مثل سایر شهروندان در محیط دومی، خود شان را محروم می دانند.

کلید واژه ها: بیجا شدگان داخلی، جنگ، فقر و بیکاری

عوامل بیجا شدگی :

بیجا شدگی می تواند دارای عوامل متعدد باشند، از قبیل جنگ و ناامنی، منازعات و خشونت های قومی و مسلحانه، خشکسالی، فقر و بیکاری، سیل و زلزله، برف کوچ و رانش زمین وغیره می تواند باشد. که در ذیل به مهم ترین عوامل بیجا شدگی پرداخته می شود :

۱. امنیت: مهم ترین و عمده ترین عامل بیجا شدگی می باشد، جنگ های بی وقفه و دوامدار امید و تلاش به زندگی را از بسیاری افغان ها سلب و آنها را مجبور به ترک خانه و محل زندگی شان کرده اند. تعدادی زیادی افغان هاست که خانه و دارای شان را به دلیل جنگ و ناامنی رها کرده و آواره شده است . در سالیان پسین افزایش حملات دشمنان و بی رحم تر شدن شیوه جنگ، هدف قرار دادن افراد و تاسیسات ملکی و عام المنفعه، باعث شده که تارنمایی زندگی را تاریک تر و وضعیت را غیر قابل تحمل تر برای بسیاری افغان ها بسازند . شاید کسی را نتوان یافت که علاقه مند باشد و یا داوطلبانه به استقبال مرگ برود، هر که به اندازه توان اش تقلا برای زنده ماندن می کنند و آواره شدن و مسکن گزیدن در محیط دومی را با انواع دشواری هایش به جان می خرد تا چند روزی زنده بمانند. زنده ماندن هم، تحمل سختی ها، بی خانمانی، گرسنگی و تشنگی را دارند. که اکنون بسیاری به بهای آن را تحمل می کنند .

یکی از نکاتی که مردم در مناطق جنگی بیشتر از پیش آسیب پذیر می سازد این است که طالبان معمولن در درون قریه جات سنگر می گیرند و خانه های مردم را به مواضع جنگی شان تبدیل می کنند. این نکته هم باعث آواره گی خانواده ها می شود و هم ویرانی بیشتر به بار می آورد و حتی میزان تلفات ملکی را نیز بالا می برد(۱:۳۸). علاوه بر جنگ های که میان دولت و گروه های مسلح مخالف جریان دارد، موارد دیگری از منازعات نیز باعث آواره گی مردم می شود. منازعات مردم جایی و کوچی یکی از موارد عمده این نوع منازعات است که تقریبا هر ساله باعث آواره گی شماری از شهروندان می گردد(۱:۴۲).

۲. فقر و بیکاری: فقر پدیده های چند عاملی و پیچیده است. پیچیدگی این پدیده، از ابعاد مختلف و متعدد بودن عوامل ایجاد کننده آن ناشی میشود(۲:۹). بیکاری نیز به عنوان یک پدیده فراگیر و مزمن در افغانستان به یکی از چالش کلان حکومت بدل شده است.

در سال های اخیر به دلیل افزایش جمعیت، ناتوانی حکومت در فراهم آوری خدمات به شهروندان، فلج بودن بخش های خصوصی، فقر و بیکاری افزایش چشمگیر داشته است. فقر و بیکاری ودو مفهوم که یکی بر دیگری رابطه مستقیم دارد. با افزایش و کاهش دیگری می تواند بالای دیگری آثارش را به جا گذارد . به طور نمونه؛ در صورتی عدم دسترسی و فراهم نبودن زمینه های شغلی مناسب می تواند افزایش دهنده فقر باشند. زمانی در جای کاری نباشد بدون شک آن جا فقر و ناداری هست . تعدادی زیادی خانواده ها به دلیل فقر و بیکاری

از ولایات های مختلف بیجا شده به کابل و سایر ولایات بزرگتر جابجا شده اند. همین اکنون نفوس کابل بیش از حد معمول آن بوده که به صورت روز افزون در حال افزایش است. که این امر به خودی خود می تواند حامل و ایجاد کننده مشکلات زیادی در سایر عرصه های شهری شوند.

۳. خشکسالی: خشکسالی از دیگر عواملی است که منجر به بیجاشدگی می شود، تغییر اقلیم جهانی و شرایط ناگوار زیست محیطی نیز تشدید کننده و اثرات منفی را بر اقلیم افغانستان گذشته که همین اکنون در بسیاری ولایات افغانستان مردم برای خوردن آب نیز با چالش مواجه است .

بنابراین، زمانی آبی برای آبیاری زمین ها جهت حاصل گیری موجود نباشد، مردم جز گزینه برای ترک زندگی موجود ندارند. زندگی روستایی بیشتر بستگی به آب دارند. که مردم از طریق زراعت و آبیاری زمین های شان امرار معاش می نمایند.

از آنجاییکه زندگی انسان ها، مثل همه موجودات زنده، به آب وابسته است، خشکسالی و کمبود آب مردم را وادار به ترک محل زیست شان نموده و به مناطق دیگر آواره می سازد. قسمت اعظم اقتصاد مردم افغانستان زراعتی است. خشکسالی و کمبود آب باعث شده که زمین های زراعتی مردم خشک شوند و حاصلات زراعتی به شدت کاهش یابد. این مسله مردم را وادار کرده که برای تامین نیازمندی های زندگی خود به سوی شهرها و یا مناطق دیگر روی بیاورند (۱:۵۷).

۴. سیل و زلزله: سیل و زلزله نیز هر از گاهی مردم را بی خانمان و مجبور به ترک خانه های شان می کنند. بیجا شدگان زیادی هستند که همین اکنون در اثر سیل و زلزله بیجا شده اند . مناطق شمال- شرقی افغانستان از مناطق زلزله خیز افغانستان به شمار می رود و هر از چندگاهی زمین لرزه ای در این مناطق اتفاق می افتد (۱:۵۹).

۵. برف کوچ و رانش زمین: افغانستان کشوری کوهستانی و زمستان نسبتن خشن و سختی دارد، بسیاری ولایات افغانستان در معرض جدی برف کوچ و رانش زمین قرار دارند. بسیاری خانواده ها یا به طور مستقیم آسیب دیده و یا مستعد آسیب دیدن بوده که خانه شان را ترک کرده و در جای دیگری اقامت گزیده اند .

پیامد های بیجا شدگی :

بیجا شدگی یک امر اجباری است، هر اجباری پیامدی های خوشایندی ندارد. بنا براین، بیجا شدگی نیز می تواند تعدد از پیامدها را باخود داشته باشند. که در ذیل تلاش می شود به اهم از پیامدهای بیجا شدگی اشاره شود :

۱. از دست دادن خانه و دارایی: همه میدانند زمانی خانواده ها بیجا می شوند، نمی توانند همه داشته های شان را انتقال دهند. همه دارای غیر منقول شان در مقر اصلی شان میماند و ممکن است تا دوباره برگشتن همه دارایی شان

از بین بروند و به تاراج بروند. اگر زمینه برگشت ممکن نباشد، بیجا شدگان مجبور است از نو زندگی شان را شروع کنند و ضروریات شان را تکمیل کنند که این نیز می توانند مشکلات را برای بیجا شدگان داخلی در بر داشته باشند. و در صورتی مقدور نبودن در تهیه لوازم و امکانات حداقلی دوباره زندگی، این خانواده ها امید به زندگی را از دست داده و سرخورده می شود. که این امر می توانند پیامد بدی را برای امید به زندگی، کار و تلاش در پی داشته باشند. ممکن است ناامیدی و درماندگی بیشتر زمینه ساز و دست زدن به اقدامات غیر متعارف و تهدید کننده زندگی مسالمت آمیز بوده باشند در پی داشته باشد .

۲. محدودیت در دسترسی از خدمات در محیط دومی: بنابر معیارهای حقوق بشر، برخورداری از رفاه و سطح کیفی مناسب زندگی از حقوق اساسی بشر است. این حق در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است. در این آمده است که: (هر کس حق دارد که سطح زندگی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند) مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۴۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر).

بیجا شدگان داخلی از لحاظ دسترسی به حق رفاه و امکانات و خدمات رفاهی از قبیل دسترسی به مسکن، مصوونیت از فقر و بیکاری، دسترسی به سطح کیفی مناسب زندگی، دسترسی به وسایل گرم کننده و سرد کننده، آب، تشناب، برق و امثال آن بسیار محروم اند. تحقیقات مشترک بانک جهانی و کمیشنر عالی ملل متحد در امور پناهندگان نشان می دهد که بیش از ۷۰ درصد بیجا شدگان داخلی که در مناطق غیر پلانی شهری به سر می برند به برق، آب آشامیدنی کافی و تسهیلات حفظ الصحه دسترسی ندارند (همان: ۶۹)

۳. نامناسب بودن محل سکونت و محروم بودن از حق داشتن مسکن: بسیاری خانواده ها در جاهای زندگی می کنند که به محل متروکه می ماند، در زمستان ها و گرمی تابستان اگر گذری در ساحات بیجا نشین شوند آشکارا وضعیت نامناسب و محیط ناسالم آنها را می توان دید. حتی آنها در زمستان و تابستان به دلیل نبود خانه و کاشانه در زیر خیمه ها زندگی می کنند .

۴. عدم دسترسی به کار و فرصت های شغلی : بیکاری بزرگترین دغدغه بیجا شدگان است، زیرا باوجود فقر و ناتوانی اقتصادی، زندگی آنها به صورت روزمره به کار روزانه شان بستگی دارد. بیجا شدگان در محل جدید بود باش شان معمولن تا مدت ها بیکار می مانند و یا کارهای بسیار محدود با شرایط سخت و دستمزد اندک گیر می آورند. آنها معمولن با فرصت های شغلی محدودی که ممکن است که در محل جدید بود و باش شان وجود داشته باشد، نا آشنایند و از این رو تا مدت ها نمی توانند کار مداوم و مطمینی پیدا کنند و با عدم مصوونیت شغلی جدی مواجه اند. این بیجا شدگان نمی توانند از پس مخارج و هزینه های زندگی شان بر آیند و از این رو، بسیاری از آنها قرضدار می شوند و مجبور اند تا مدت ها بار قرضه های شان را نیز بر دوش کشند. بنا براین، بیکاری بیجا شدگان را

به فقر مضاعف دچار می سازد (۷۱: ۱).

۵. محروم بودن از حق دسترسی به خدمات آموزشی و صحتی: بارها خبرهای از عدم شامل شدن اطفال بیجا شدگان در مکتب و عدم ارایه خدمات صحتی به آنها شنیده شده اند، بسیاری اطفال نمی توانند در وقت معینه به دلیل محدودیت ها و اشکالات که وارد می شود جذب مکاتب در مناطق ثانوی شوند، یا به دلیل نبود مکاتب در نزدیکی بود و باش شان نیز ازین حق محروم می شود. همچنان تذکره اخذ کنند و یا از خدمات صحتی که دولت برای سایر شهروندان فراهم کرده اند استفاده نمایند. گرچند این مشکل کم و بیش حل شده اند و مطابق گزارش ها وزارت امور مهاجرین به اساس تفاهمنامه با سایر نهاد های دولتی مانند وزارت خانه های معارف، صحت عامه و اداره احوال نفوس این مشکل را تا حدی برداشته اند. یعنی اطفال بیجا شده می توانند بدون کدام محدودیت به ادامه تحصیل شان پردازد، به خدمات صحتی برابر مثل سایر شهروندان دسترسی داشته باشد و تذکره اخذ کنند.

۶. عدم دسترسی و مصوونیت غذایی و آب صحتی: مصوونیت غذایی و فراغت از گرسنگی حق هر کس است. در فقره دوم ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آمده است که (کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به این که از گرسنگی فارغ باشند، منفردا و از طریق همکاری های بین المللی تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد) مجمع عمومی سازمان ملل متحد "۱۹۶۶". میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).

عدم مصوونیت غذایی و گرسنگی از دیگر پیامدهای بیجا شدگی داخلی است. بیجا شدگان داخلی به خاطر فقر، بیکاری و آسیب پذیری بالای شان دسترسی محدودی به غذای مناسب و صحتی دارند. تحقیق مشترک که بانک جهانی و کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان انجام داده بود نشان می دهد که بیجاشدگانی که در محلات غیر پلانی به سر می برند، در سال های اول با آسیب پذیری شدید در برابر عدم مصوونیت غذایی قرار می گیرند. به اساس این تحقیق، عدم مصوونیت غذایی این بیجاشدگان تقریبین پنج برابر بیشتر از جمعیت فقیر شهری می باشد (۷۴: ۱).

نتیجه گیری

بیجا شدگی، اکنون به یک امر مهم و اساسی حکومت بدل شده است، حکومت نمی تواند با توجه به پیامدهای که بیجا شدگان به جا می گذارند از کنار آن ساده عبور کند. وزارت امور مهاجرین علاوه بر داشتن پالیسی ملی بیجا شدگان و طرز العمل های رسید

منابع و ماخذ:

۱. سرآمد، محمد حسین (۱۳۹۴). وضعیت بیجا شدگان داخلی در افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل.

۲. محمدی، محمد علی و همکاران (۱۳۹۱). فرا تحلیل مطالعه فقر؛ فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره چهاردهم، تهران.

۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد. (۱۹۴۸). اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد. (۱۹۶۶). میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

5. www.persain.com